



عبور از خاتمی و روحانی چرا؟

● **عبدالله کنجی:** برخی اصلاح‌طلبان در فضای عمومی با عبور از روحانی مخالفت می‌کنند اما عبورکنندگان را معرفی نمی‌کنند... شاخص عبور از امثال روحانی و حتی خاتمی چه می‌تواند باشد؟... نفسی‌گرای و اصرار بر استکبارستیزی... هر رئیس‌جمهوری بر این سه اصل اصرار ورزد مورد تفرغ اصلاح‌طلبان است و هرکس با این سه درگیر شود مورد حمایت آنان خواهد بود، حتی سکوت هم در این دوگانه قابل پذیرش نیست...

ترجمه عریان عبور به این معنی است که حتی احساس و بوی براندازی و درگیری بسا نظام موجب حمایت است اما اگر احساس کنند حفظ نظام و همسویی با آن مدنظر انتخاب‌شونده است حتما عبور اتفاق خواهد افتاد... حمایت از روحانی عروج و افولی دارد. عروج زمانی بود که روحانی به‌جای رئیسی با نظام رقابت می‌کرد. از ۳۸ سال زندان و اعدام و درندبودن جوانان محبت می‌کرد و افول زمانی است که مذاکره با آمریکا را دیوانگی می‌داند، اختلاف را حرام و سپاه را یک جریان مردمی معرفی می‌کند و اصحاب فتنه را پشت دروازه‌های قدرت به بست‌نشینی واداشته است. این روحانی واجد عبور است. اصلاح‌طلبان ناب با مفهوم‌سازی انتصابی- انتخابی، رئیس‌جمهور را واجد صلاحیت برای ورود به امر قضا، نیروهای مسلح، حوزه رهبری، شورای نگهبان وو... می‌دانند وگرنه باورشان به دموکراسی می‌میرد...

انتقاد

عبور از روحانی خطاست

● **صادق زیباکلام:** ناراضیاتی از دولت آقای روحانی چه در شهرستان‌ها و چه در تهران از اوایل سال تحصیلی خیلی پررنگ بود و این را در گردهمایی‌های دانشجویی می‌دیدم... نخستین اما و اگرها، در فکر فرورفتن‌ها و ناراضیاتی‌ها در جریان معرفی کابینه به وجود آمدند... این روند ادامه داشت و به وجود اعتراضاتی که صورت می‌گرفت آقای روحانی هیچ واکنشی نشان نمی‌داد. این بود که هشتک عبور از روحانی و کمین از رای به روحانی پیشینیمان مطرح شد. خوارگولران از این مسئله استقبال کردند... من برخلاف عده‌ای از اصلاح‌طلبان معتقدم ما باید به حمایت از او ادامه دهیم... همچنین آقای جهانگیری باید در دولت بماند. اگرچه جداشتن آقای جهانگیری از دولت به نفع او خواهد بود و شانشن در انتخابات ۱۴۰۰ از بین نخواهد رفت اما شکست آقای روحانی میخی بر تاپوت دولت خواهد کوبید. اگر آقای جهانگیری جدا شود، احتمال عدم موفقیت دولت تبدیل به یقین خواهد شد و حرکت دولت به سمت دره قطعی خواهد بود. نباید بر اساس خدشه‌دارشدن اعتبار اصلاح‌طلبان سیاستی را انتخاب کرد. شکست آقای روحانی فقط شکست او نخواهد بود بلکه این مسئله به زیان منافع ملی کشور خواهد بود و کشور در نتیجه شکست آقای روحانی متضرر می‌شود... بهتر است که به‌جای دست‌نکشتن از روحانی تلاش کنیم تا دولت شکست نخورد. چون در این صورت این مردم هستند که هزینه‌اش را می‌دهند... آقای روحانی اگر شکست بخورد راه برای یوپولیسمی که در سال ۸۴ ظهور کرد، باز می‌شود. در سال‌هایی که خاتمی رئیس‌جمهور بود ناراضیاتی‌هایی به وجود آمد که نهایتا منجر شد تا یوپولیسمی آقای احمدی‌نژاد پیروز شود. اگر از روحانی عبور کنیم، همان داستان سال ۸۴ تکرار خواهد شد. این دلیل اصلی‌ای است که نباید از روحانی عبور کرد.

شهرزد

رفتارهای صوری

● در روزهای گذشته یکی از مسئولان تأمین اجتماعی به نکته جالبی اشاره کرد که کمتر مورد توجه افکار عمومی قرار می‌گیرد. وی گفت: «ازدواج مجدد برای دریافت مستمری و برقراری حقوق مجدد فوت‌شده، طاق‌های صوری برای برقراری مستمری و... علاوه بر هزینه‌های مالی که بر سازمان‌ها تحمیل می‌کند، تأثیر منفی نیز بر جامعه گذاشته است. در برخی موارد شوهر زن را طلاق می‌دهد برای اینکه زن بتواند از مستمری پدر خود استفاده کند و در قبال آن با خواندن صیغه ۹۹ ساله یا یکدیگر زندگی می‌کنند و این‌گونه است که آمار طلاق در برخی شهرستان‌های کوچک تا حدودی افزایش پیدا کرده است.» نه فقط این مورد، بلکه بیش از این نیز درخصوص سرپارازی چنین اقدامی می‌شد و برخی از زنان با جداشتن صوری از شوهرانشان، تحت اداره و تکفل تنها فرزند پسرشان درمی‌آمدند و از این طریق معافیت می‌گرفتند و این نوعی تقلب محسوب می‌شد... وظیفه ماست تا به همان میزانی که از رفتارهای نادرست حکومت و دولت‌مداران انتقاد می‌کنیم، نسبت به رفتارهای مردم و تعرض آنان به حقوق عمومی نیز حساس باشیم. این رفتارها از تعرض به خط عابریاده شامل می‌شود تا خسارت‌زدن به اموال عمومی و در سطوح دیگر، گرفتن پول ناحق از صندوق‌های بازنشستگی.

politics@sharghdaily.ir

کا
ظا
هرا در کشور ما زلزله و سیاست همیشه به هم گره می‌خورند.

کا
در دهه ۴۰، زلزله بوبین‌زهره فرصتی برای تحرک و کنش سیاسی مخالفان حکومت شد. سال‌ها بعد هم، وقتی در آستانه انقلاب زلزله طیس رخ داد، نقل شده که شاه به نزدیکانش گفته بود شانس آوردیم که زلزله شد چون توجه مردم از سیاست به زلزله منحرف می‌شود. اما در عمل این‌گونه نشد و زلزله کمکی به حکومتی که اعتماد مردم را از دست داده بود، نکرد. با گذشت چندین دهه از این ماجراها، هنوز هم از زلزله به‌عنوان رخدادی طبیعی، برای برجسته‌کردن ناکارآمدی دولت مستقر استفاده می‌شود.

کتاب جنبش دانشجویی – که نوشته‌ام – تصویری روی جلد خود دارد که تعدادی دانشجوی پلی‌تکنیک در آن به خط هستند و تابلویی در دست دارند. این عکس چهره‌های شناخته‌شده جنبش دانشجویی را در حال کمک به آسیب‌دیدگان سیل جوادیه نشان می‌دهد. جوادیه رودخانه‌ای دارد که حالا رویش را پوشانده‌اند. سال ۴۱ در آن منطقه سیل آمد. همان دوران که زلزله بوبین‌زهر رخ داد... عکس بهزاد نبوی در حال بیل‌زدن هست، مصطفی شجاعیان و دیگران هم همین‌طور. همه اینها زمینه سیاسی داشت. این رخداد طبیعی، برای فعالان سیاسی مخالف حکومت، یک فرصت بود که خودشان را بازسازی کنند و هویت یابند. زلزله اوج این فرصت بود. ماجرا فقط این نیست که یک گروه به مکان زلزله می‌روند، بلکه ایسن کار تبدیل به هویت آنها می‌شود. همان‌طور که قضیه سیل جوادیه هویت دانشجویان پلی‌تکنیک شد، زلزله بوبین‌زهرها هویت تختی می‌شود. جالب‌تر اینکه در مواردی مثل سیل بعد از انقلاب خوزستان وقتی مثلا تخم‌مرغ توزیع می‌کردند آرم سازمانشان را روی آن مهر می‌زدند. نمی‌خواهم بگویم انگیزه انسانی نداشتند اما همیشه انگیزه سیاسی است که پی‌رنگ می‌شود و می‌ماند. این نحوه رفتار متناسب با راهبرد سیاسی آنهاست. یعنی اگر قبل از انقلاب، هدف کنشگران براندازی و برخورد با رژیم بود، همه این کارها مقدمه و لازمه ایسن هدف بود. درواقع دوست داشتند وضعیت بدتر شود که مردم بیشتر علیه سیستم باشند. این لازمه آن نگاه انقلابی است. من الان هم ایرادی نمی‌بینم که کسی این نگاه را داشته باشد، هرچند قطعا شخصا با این مخالفم. اما حرفم این است که اگر کسی می‌خواهد با این شکل و سبک در کمک‌رسانی زلزله شرکت کند باید از موضع تختی شرکت کند؛ یا از موضع همان دانشجویهای انقلابی. نمی‌توان موضع سیاسی دیگری داشته باشد.

کا
یعنی معتقدید این نشی اشکال‌طلبانه نیست؟

بله. متأسفانه همین‌طور است.

کا
اما در همه دنیا مردم در چنین حوادثی وارد می‌شوند و کمک می‌کنند.

بله، ولی آنها برای یاری‌رساندن و رفع کمبودهای نهادهای رسمی امدادرسان وارد عمل می‌الیند. البته باید تأکید کنم من با فعالیت‌های غیرسیاسی مانند «مک» یا «نخبره امید» یا «جمعیت امام علی» نمتتها مخالف نیستم، بلکه از این‌گونه نهادهای مدنی حمایت هم می‌کنم. نکته‌ای که می‌خواهم روی آن انکشت بگذارم این است که استفاده از رخدادها و بلایای طبیعی با اهداف پیدا و پنهان سیاسی، رویکردی اصلاح‌طلبانه نیست.

کا
اما اگر زلزله رخ دهد و ناگهان متوجه شوید که نهادهای دولتی ناکارآمد هستند و شما هم نهادی نساخته‌اید، چه؟

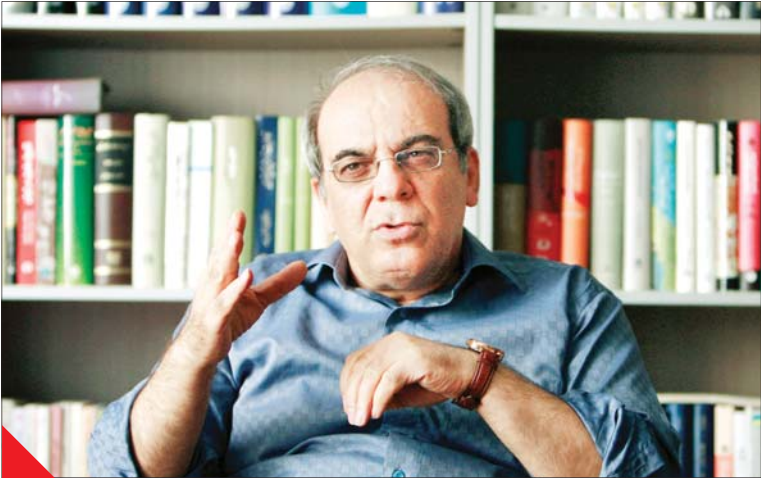
فرض کنید نهادهای دولتی کاملا کارآمد هستند. آیا دیگر کسی نباید نهاد مدنی درست کند؟ این زاویه دید، درست نیست. ممکن است نهادهای دولتی کارآمد باشند اما دولت که از جیب خودش پرداخت نمی‌کند، ما باید نهادهایی داشته باشیم که بتوانند در هنگام ضرورت مردم را بسیج کنند. یعنی اگر من می‌خواهم کمک کنم باید حتما از طریق هلال‌احمر یا نهادی مرتبط با وظایف آن کمک کنم. من به صورت فرد نمی‌توانم کمک کنم.

کا
یعنی من نمی‌توانم هم اصلاح‌طلب باشم هم معتقد باشم هلال‌احمر ناکارآمد است و خودم راسا کمک کنم؟

اشکال ما از همین‌جا شروع می‌شود. امروز که ۱/۱/۱ نیست. قیلا هم اتفاقاتی از این دست رخ داده، بعدا هم رخ خواهد داد. حوادث بعدی را چه‌کار خواهیم کرد؟ کسی که این‌قدر دوست دارد حضور مستقیم داشته باشد و کمک کند همین الان باید برود و نهاد و تشکیلاتش را راه بیندازد. برود نهادی مخصوص امداد و نجات برای زلزله درست کند. البته باید مشخص کند که می‌خواهد در بخش امداد، نجات یا بازسازی کمک کند. هلال‌احمر کارش فقط امداد و نجات است و در بازسازی کمک نمی‌کند و نهادهای دیگر باید وارد شوند. شما باید نهاد تخصصی داشته باشید. حرفم را با یک مثال روشن می‌کنم. همین الان یکی از کارهای بسیار ارزشمند را پزشکان بدون مرز، انجام می‌دهند که البته خودسر به این مناطق نمی‌روند. مثلا می‌گویند ما صد پزشک و ۲۰۰ پرستار و فلان مقدار امکانات را داریم و به‌ممرور با هلال‌احمر هماهنگ شده و کار می‌کنند. این شیوه کمک‌رسانی مردمی که در زلزله کرمانشاه رخ داد چندین اشکال دارد؛ اشکال سیاسی و تکنیکی و فقهی. اشکال سیاسی اینکه می‌خواهیم جایگزین دولتی ناکارآمد شویم، دولتی که معتقدیم نهادش فاسد است. این اشتباه است، از نمی‌توانی جانشینش شوی. باید آن را اصلاح کنی. به محض اینکه کوشش می‌کنید جانشین دولت شوید هرج‌ومرج ایجاد می‌کنید. مثالی می‌زنم. الان یکی از رکن‌های فساد، صندوق‌های قرض‌الحسنه‌اند که می‌خواستند جانشین بانک‌ها شوند و در بدو کارشان هم به‌ظاهر اشکالات چندانی نداشتند. اما به‌مرور دچار فساد شدند.

کا
چون همان بوروکراسی سازمان‌مند بانک‌ها را

سیاست



بررسی انتقادی کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان کرمانشاه در گفت‌وگو با عباس عبدی

اصلاح‌طلب باشیم یا تختی

مازیار خسروی

«**هر چیز که من را نکشد، قوی‌ترم می‌کند**»، این جمله شاید در حوزه فردی درست باشد، اما در عرصه عمومی اما و اگر بسیار دارد. ایران‌زمین در درازنای تاریخ خود بلای طبیعی کم ندیده و رخدادهایی از این دست تاکنون امتداد یافته است، اما حفظه و توان جمعی ما برای رویارویی با آنها غنی‌تر از گذشته نیست. ماجرا هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که به یاد بیاوریم ما ملتی هستیم که تا مغز استخوان آغشته به سیاستیم. خوش‌مان بیاید یا نیاید، هر کنش فردی و جمعی‌مان، تا اطلاع ثانوی انباشته از معنا و تبعات سیاسی است. زلزله‌ای که به‌تازگی غرب ایران را لرزاند نیز از این قاعده مستثنا نبود. حالا که موج نخستین احساسات برانگیخته‌شده در این فاجعه انسانی اندکی فرونشسته، بد نیست آنچه را کردیم از روزنه بی‌رحم نقد بگذرانیم و کردار خویش را در آینه به نظاره بنشینیم.

هم ندارد.

همان انگیزه‌هایی‌که باعث می‌شود افراد در نظام اداری دچار فساد شوند، در اینجا باعث می‌شود فساد بیشتری شکل بگیرد. وقتی بنده نوعی، از روی خیرخواهی نهادی درست می‌کنم، در ابتدا خودم هم مسئولش هستم اما وقتی بزرگ و بزرگ‌تر شد، به مرور از دستم خارج می‌شود. این اشکال را هریدر سیاسی است، اما اشکال جدی‌تر این است که امداد و نجات یک امر بسیار تخصصی است. توصیه می‌شود کسی که زیر آوار است را بدون داشتن تخصص لازم خارج نکند؛ چون ممکن است کمک شما موجب قطع نخاع او شود. حتی حق نداریم به‌طور خودسر دیگران را پانسمان کنیم و باید آموزش دیده باشیم. وقتی تا این حد سازمان مهم است، چطور می‌توانیم به‌عنوان فرد اقدام کنیم؟ چیزی بهتر و آماده‌تر از این؟ جامعه‌درست، جامعه‌ای نیست که مردم مثلا به فلان شخص اعتماد داشته باشند و به دولت اعتماد نداشته باشند. اینها هر کدام کارکرد خود را دارند.

کا
به‌هرحال مسئله بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی، مشکلی است که وجود دارد.

باید مشکل بی‌اعتمادی را حل

کنیم نه اینکه دنبال جایگزین‌های فردی باشیم. اعتماد شما به من، جایگزین اعتماد ما به هلال‌احمر نمی‌شود. درست است که بی‌اعتمادی وجود دارد اما من با اهداف پیدا و پنهان سیاسی، رویکردی اصلاح‌طلبانه نیست. کتیم و بگویم خودم عمل می‌کنم. هلال‌احمر از پول من و شما استفاده می‌کند و باید پاسخ‌گوی عملکردش باشد نه اینکه من جایگزین هلال‌احمر شوم. شاید بگویید الان زلزله رخ داده و جای

این حرف‌ها نیست اما دفعه‌های بعد چطور؟ اعتمادها م‌مکمل هم هستند. در جامعه غربی وقتی می‌بینید اعتماد به افراد بالاست، اعتماد به دولت‌ها هم باید بالا باشد. دولت کارکردهایی دارد و اگر کار خودش را انجام ندهد، هیچ ملتی نمی‌تواند کارش را انجام دهد. اگر در جامعه توسعه‌یافته مشارکت مردم مؤثر است، به این خاطر است که آن طرف هم با هم هماهنگ می‌شوند و کارآمدی دارند. فرض کنید دولتی ناکارآمد باشد، چه کسی می‌تواند جایگزین نهاد دولت شود و به زلزله‌زدگان کمک کند؟ غیرممکن است که من و شما چنین کاری را انجام دهیم.

اما کسانی که متولی این ماجرا شده‌اند یا مردمی که کمک‌هایشان را شخصا به دست زلزله‌زدگان می‌رسانند، نگاهشان این نیست که جایگزین دولت شوند، بلکه می‌خواهند دولت را هـل بدهند که وظایفش را بهتر انجام دهد. فرقی نمی‌کند. نتیجه‌اش یکی است. هلال‌احمر کارش فقط امداد و نجات است. یعنی اغلب مردم همه نهاده‌ا را به یک چشم نمی‌بینند. در زلزله اخیر دیده شده که مردم می‌گویند مثلا فلان نهاد خوب است و فلان نهاد نه. اما در سال‌های ۴۱-۴۲ کل نهادهای دولتی را یک‌کاسه می‌کردند و به آن اعتماد نداشتند. از اینجا بود که تختی تبدیل می‌شود به نهاد کمک به زلزله‌زدگان بوبین‌زهر.

صحت‌های شما و تمایزاتی که می‌گویید را رد نمی‌کنم، حق مردم است که چطور برخورد کنند. اما به‌عنوان خطمشی اصلاح‌طلبی در آینده می‌خواهیم چه کار کنیم؟ من هم اگر احساسات انسانی داشته باشم، به کسی که نیاز دارد کمک می‌کنم. اما راهبردمان به‌عنوان یک سیاست‌ورز اصلاح‌طلب باید چطور باشد؟ در همین قضیه، راهبرد مؤثر باید این باشد که نشان دهیم تمایزات چگونه است و چطور باید آن را کم کرد، نه اینکه با پتک این شکاف را عمیق‌تر کنیم.

کا
فرض کنید یک دانشجو در انجمن اسلامی دانشگاه فعال است. از آن طرف می‌بیند که بسیج دانشجویی رفته و با تابلوی خودش به صورت مستعجب و با امکاناتی که در اختیار دارد در مناطق

مثلا فوتبالبست مشهوری که به این منطقه می‌رود باید اشتباهات در کمک‌رسانی را تعدیل کرده و نشان دهد اساسا قصد آن نوع تمایزگذاری‌ها را ندارد. سلب‌ریتی‌ها باید از افراد با آژانس‌های مشاوره‌ای کمک بگیرند. ما ظاهر قضیه را می‌بینیم اما در چنین رخدادهایی پیچیدگی‌های بسیاری وجود دارد.

کا
چه اشکالی دارد که کسی که به نهادهای دولتی بی‌اعتماد است، برود و مثلا شخصا برای مردم فلان روستا آغل گوسفند بسازد؟

اشکالش این است که این نمی‌تواند جایگزین دولت و نهادهای رسمی بشود. در بهترین حالت ممکن است در این مورد خاص کارتان جواب بدهد اما مسئله امداد و نجات را حل نمی‌کند. ما نمی‌توانیم جایگزین کمکی بشویم که دولت باید انجام دهد.

کا
توصیه شما این است که اگر کسی می‌خواهد کمک کند، بسرود به هلال‌احمر بیبوند. اما مسئله اینجاست که برخی از مردم به نهادهای دولتی بی‌اعتماد هستند و آنها را ناکارآمد می‌دانند.

اول اینکه چنین نیست خیلی از مراکز هلال‌احمر بیشترین کمک‌ها را جمع‌آوری کرد. بااین‌حال در چنین شرایطی شما دو راه پیش‌رو دارید. یکی اینکه بروید تلاش کنید که مثلا هلال‌احمر را اصلاح کنید. راه دوم این است که خودتان راسا اقدام کرده و در بهترین حالت یک نهاد جایگزین ایجاد کنید که عوارض خودش را دارد. وقتی کسی می‌خواهد شخصا این کمک‌ها را انجام دهد باید ابتدا توضیح دهد که سیستم ناکارآمد و فاسد است، در این راه غلو می‌کند و علیه روال منطقی کمک به مردم عمل خواهد کرد.

کا
یعنی به‌طور ضمنی با شادروان تختی در دهه ۴۰ هم موضع می‌شود.

بله و بسا این نگاه، همیشه این وضعیت ناسالم می‌ماند. سؤالی از شما دارم. واقعا به نظرتان هیچ فرد درستی در هلال‌احمر داوطلب نمی‌شود؟

کا
حتما وجود دارد اما منظور کلیت نهاده‌ها هستند.
وقتی شما می‌گویید هلال‌احمر ناکارآمد است این فرد باید چه واکنشی نشان دهد؟ باید از آنجا خارج شود. در واقع شما دارید به‌طور غیرمستقیم با ترغیب آدم‌های سالم به خروج از این نهاده‌ا، آن نهاد را فاسدتر و ناکارآمدتر می‌کنید. اما اگر شما لباس هلال‌احمر را بپوشید و برای کمک بروید و بعد هم بگویید کمک کردم اما ایراتی‌هم که وجود داشت، در راستای اصلاح نهاده‌ها تلاش کرده‌اید. این دو رویکرد هرکدام منافع و هزینه‌های خاص خودشان را دارند. دومی اصلاح‌طلبانه است.

کا
شاید زمانی که دو دهه پیش زلزله رودبار رخ داد چنین سطحی از بی‌اعتمادی می‌مردم نبود. اما الان در دهه ۹۰ شفاف زیاد شده است.

باید دو موضع را از هم متمایز و جدا کنیم. مسئله اول این است که به دلایل گوناگون ایسن رفتار مردم را غیرطبیعی نمی‌بینیم اما مسئله دوم و مهم‌تر این است من به‌عنوان کنشگر باید چه‌کار کنم؟ من ممکن بود لباس هلال‌احمر را بپوشم و برای کمک بروم و کمکی شده‌اند که به‌ترتیب یک می‌ان یک بکشم آگاه و مردم فرارگیرتر را تقویت می‌کردند. چه بسا با همه عشق و خلوصی که داشتند - به دلیل نبود سازماندهی منابعشان بیشتر از نهادهای دولتی هدر برود. مسئله اصلی هم همین است. دست‌نمائی که

کا
در داخل و خارج سیستم اثر مثبت داشت.
پس چرا ایسن کار را انجام ندهم و بگویم سیستم فاسد است؟ یک فرقی میان یک کنشگر آگاه و مردم عادی باید وجود داشته باشد. بنابراین یک رگ نگاه و رویکرد است و حتما هر کدام منافع و مضرات خودشان را دارند. اما باید به موقعیت‌های بعد و آینده هم دقت کنیم. اینکه جوانان فعالیت‌ر و مدیران بهتری در سیستم باشند و سیستم بازسازی شود.

کا
بسیاری معتقدند تا حوزه سیاسی اصلاح نشده باشد، نهادهای پایین‌دستی اصلاح نمی‌شود.

این قضیه مرغ و تخم‌مرغ است. اما این بی‌اعتمادی در سطح سیاسی ایجاد شده و سپس به نهادهایی مثل هلال‌احمر کشیده، وگرنه از ابتدا که مردم چنین تصویری نداشتند. سوال ۶۹ چه تفاوتی با الان نباید داشت؟

کا
اعتماد وجود داشت.

بخشی این بود. اما اگر آن زمان هم رسانه‌های مجازی بودند و اخباری منتشر می‌شد، قضیه جور دیگری بود. به نظر‌تان آن زمان دردی نشده؟ قطعا شده اما وقتی خبری منتشر نمی‌شود، یعنی از نظر افکار عمومی چنین اتفاقی نیفتاده. مثلا در تهران روزی چند نفر کشته می‌شوند. وقتی خبری در این زمینه منتشر نشود متوجه نمی‌شویم، اما کافی است فیلم یک قتل را پخش کنید و ببینید چقدر زود همه واکنش نشان می‌دهند. در قضیه یم که دزدی شده اما این‌بار این فیلم‌هاست که به صورت مستقیم و آنلاین همه‌چیز را گزارش می‌دهند.

کا
اما دهه ۴۰ که اینترنت وجود نداشت هم مردم به نهادهای دولتی بی‌اعتماد بودند. الان ظاهرا به آن شرایط برگشته‌ایم.

گفته شما را رد نمی‌کنم. اما فضای مجازی نقش مؤثری داشته. سخت است که قبول کنم اگر فضای مجازی به این شکل نبود، این بی‌اعتمادی‌ها به وجود آمده بود. قبول دارم که نسبت به خیلی‌های حوزه‌ها بی‌اعتمادی وجود دارد. نسبت به فضای پزشکی هم بی‌اعتمادی در حال شکل‌گیری است و فضای مجازی هم در این زمینه تشدید می‌کند.

آیا باید نتیجه گرفت که من به‌خاطر بی‌اعتمادی به پزشکی مدرن، به سمت طب سنتی بروم؟ رهاش این نیست. باید سیستم موجود را اصلاح کرد. این نوع امدادرسانی مردمی مثل طب سنتی است؛ مثل این است که مردم را به خاطر خطای پزشکی به سمت طب سنتی و حجامت سوقق بدهیم. اما کار درست و اصلاح‌طلبانه این است که وضعیت نظام بهداشت و درمان کشور را اصلاح کنیم.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیم‌ان

- احمدی‌نژاد در نامه‌ای به وزیر کشور دستور داد: تشکیل ستادی برای صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان
- سلطانیه، نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: ایران هیچ اعتمادی به غرب ندارد
- فرزین، سخنگوی کارگروه تحول اقتصادی: لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها جداگانه به مجلس می‌رود
- الهام، سخنگوی دولت: قیمت مسکن روزه‌روز کاهش می‌یابد
- گیتس، وزیر دفاع آمریکا: هیچ‌کس به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست

انتقاد

- انتقاد هاشمی از کاهش مشارکت مردم در انتخابات: کاهش مشارکت مردم در انتخابات نشانه خوبی نیست و باید بیشتر مردم در علاقه‌مند به مشارکت در انتخابات کرد
- سیدمحمد خاتمی: نفت؛ سد راه دموکراسی ایرانی
- متکی، وزیر خارجه: در انتظار ورود اوپاما به کاخ سفید می‌مانیم
- الهام، سخنگوی دولت اعلام کرد: حذف یارانه انرژی در بودجه ۸۸؛ بودجه سال آینده بر مبنای طرح تحول اقتصادی بسته شده است
- سلطانیه، نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: به خرید زمان نیاز نداریم
- صادق خرازی سفیر سابق ایران در فرانسه تاکید کرد: در زمان خاتمی نامه‌ای به آمریکا ارسال نشده است
- عبدالله نوری، وزیر دولت اصلاحات: اگر شرایط ایجاب کند، می‌آیم

ایران

- محسن رضایی: کشور ما در شرایطی نیست که دولت وحدت ملی بپیکری شود
- مهدی کلهر، مشاور احمدی‌نژاد: بدون حضور مسئولان در پروژه‌ها کارها فقط روی کاغذ انجام می‌شود
- خبری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: فضای کلی مجلس موافق اجرای طرح تحول اقتصادی است
- سیدابراهیم رئیسی معاون اول قوه قضائیه: ایران انتقام سربازان پاسگاه سراوان را از گروه جن‌الشیطان می‌گیرد
- غلامحسین الهام، سخنگوی دولت: دولت منتخب مردم طبع دولت وحدت ملی و متعهد به اصول انقلاب اسلامی و قانون اساسی و تعهدات به ملت است؛ وارد بازی سیاسی نمی‌شود
- هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: کاهش مشارکت مردم در انتخابات نشانه خوبی نیست
- عزت‌الله ضرغامی، رئیس صداوسیما؛ طرح آسیب‌های اجتماعی به معای تخریب قوه یق یا مسئول نیست
- طهماسب مظاهری، رئیس کل سابق بانک مرکزی: عامل بحران جهانی همان اشتباهی است که در ایران انجام شد
- کروسی، دبیر کل حزب اعتماد ملی: برای عبور از تهدیدات راهی جز رای مردم وجود ندارد
- عبدالله نوری، وزیر کشور دولت اصلاحات: برای محدودکردن اصلاحات همه معتدل‌ها را افراطی نامیدند
- سیدمحمد خاتمی: برای توسعه کشور به سیاست خارجی خاص نیاز داریم
- آیت‌الله مکارم‌شیرازی: برخی سران عرب دوستی با اسرائیل را تقرب مذاهب تفسیر می‌کنند

اقتاب

- هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: کاهش مشارکت مردم در انتخابات نشانه خوبی نیست
- عزت‌الله ضرغامی، رئیس صداوسیما؛ طرح آسیب‌های اجتماعی به معای تخریب قوه یق یا مسئول نیست
- طهماسب مظاهری، رئیس کل سابق بانک مرکزی: عامل بحران جهانی همان اشتباهی است که در ایران انجام شد
- کروسی، دبیر کل حزب اعتماد ملی: برای عبور از تهدیدات راهی جز رای مردم وجود ندارد
- عبدالله نوری، وزیر کشور دولت اصلاحات: برای محدودکردن اصلاحات همه معتدل‌ها را افراطی نامیدند
- سیدمحمد خاتمی: برای توسعه کشور به سیاست خارجی خاص نیاز داریم
- آیت‌الله مکارم‌شیرازی: برخی سران عرب دوستی با اسرائیل را تقرب مذاهب تفسیر می‌کنند

اطلاعات

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: هنر بهره‌گیری از مدیران لایق در شهرداری تهران باید الگو قرار گیرد
- سیدمحمد خاتمی: گفت‌وگوی فرهنگ‌ها مقوله‌ای مرتبط با جدی‌ترین مسائل شهری است
- شولتی، نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: مسئله هسته‌ای ایران با مذاکره حل می‌شود
- بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی: رشد نرخ تورم از روند کاهنده‌ای برخوردار است
- گیتس، وزیر دفاع آمریکا: ایران به لحاظ موشکی از قدرت بالای دفاعی برخوردار است

جمهوری اسلامی

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با تاکید بر علم‌محوری در سند چشم‌انداز ۲۰ساله از شش‌برابرشدن بودجه پژوهش در برنامه پنجم توسعه خبر داد
- خراعی، نماینده دائم ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به بان کی‌مون: سازمان ملل باید برای جلوگیری از جنایات رژیم صهیونیستی در غزه مداخله آتی کند
- الهام، سخنگوی دولت: خانه‌های سازمانی دولت طرف ۵ سال فروخته می‌شوند
- سلطانیه، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: تحریم‌ها مردم ایران را متحدتر کرده است
- بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی: نرخ تورم تا پایان سال به ۲۰ درصد می‌رسد